

حاشیه نشینی؛ مشکلات و راهکارها

محمد خانباشی*

مقدمه

حاشیه نشینی پدیده‌ای است اجتماعی و به عنوان معضل اجتماعی مورد توجه جامعه شناسان شهری و سایر علوم مربوط به شهرسازی قرار گرفته است. معضل حاشیه نشینی یا سکونت‌گاه‌های غیررسمی در بخش عظیمی از کشورهای جهان، به ویژه در کلان‌شهرهای قاره آسیا و آفریقا و آمریکای جنوبی، گریبان‌گیر مدیریت شهری می‌باشد. آمارهای موجود حکایت از آن دارد که قریب ۲۰ تا ۳۰ درصد ساکنین کلان‌شهرها در سکونت‌گاه‌های ناهنجار زندگی کرده و دست به گریبان معضلات خاص محلات فوق می‌باشند. حاشیه نشینی مترادف با آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی است اگر چه حاشیه نشینان آسیب‌زا و منحرف نیستند ولی شرایط و موقعیت جغرافیایی ایجاب می‌کند تا برای منحرفان، منطقه اخلاقی و فرهنگی خاصی ایجاد شود. زندگی حاشیه نشینی و کنش متقابل اعضای آنها با یکدیگر عامل به وجود آورنده فرهنگ خاصی است که با فرهنگ متداول حاکم بر جامعه تفاوت دارد. خرده فرهنگ زاغه‌ای از افرادی تشکیل یافته که کم و بیش مشکلات مشابهی دارند و ارتباطات آنها با یکدیگر، ارزش‌ها و گرایش‌های جدیدی را پدید می‌آورد. بنابراین بسیاری از رفتارهایی که در فرهنگ حاکم جامعه، ناهنجار و یا انحرافی تلقی می‌شوند، در این مکان‌ها عادی هستند (ربانی، ۱۳۸۵: ص ۹۵). شهرنشینی در ایران نیز با بروز و ظهور مشکلاتی چون بی‌مسکنی و بدمسکنی، معضل حاشیه نشینی و رشد زاغه‌ها و سکونت‌های غیر رسمی، چالش‌های زیست محیطی، عدم دسترسی به آب آشامیدنی سالم و بهداشتی، معضل دفع زباله، مشکل ترافیکی و آمد و شد، گسترش انحرافات اجتماعی، مسئله تامین کار، انواع نارضایتی‌های جمعی و احساس عدم تعلق و بیگانگی با شهر، همراه بوده است. عدم مشارکت، احساس تبعیض، نداشتن روحیه شهروندی، کامروایی‌های معوق و... از ویژگی‌های عمده شخصیتی حاشیه‌نشینان است. حاشیه نشین این احساس را دارد که شهر خانه او نیست. لذا پیوسته در تضاد میان عینیت و ذهنیت به سر می‌برد. اگر به حاشیه رفتن کامل شود ما با بحران اجتماعی روبرو می‌شویم و به نظر می‌رسد که بررسی آن از در حوزه جامعه‌شناسی بحران قرار گیرد (نقدی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۱).

مفهوم حاشیه نشینی

صاحب نظران و کارشناسان مسائل شهری تعاریف متعددی از حاشیه نشینی ارائه کرده‌اند. برخی عقیده دارند حاشیه نشینان کسانی هستند که در محدوده اقتصادی شهر زندگی می‌کنند ولی جذب نظام اقتصادی و اجتماعی نشده‌اند. چارلز آبرامز حاشیه را به عنوان فرایند تصرف نواحی شهری به قصد تهیه مسکن دانسته است. همچنین حاشیه نشینی را در معنای عام شامل تمام کسانی می‌داند که در محدوده اقتصادی شهر ساکن هستند ولی جذب اقتصاد شهری نشده‌اند. جاذبه شهر نشینی و رفاه شهری این افراد را از زادگاه خویش کنده و به سوی قطب‌های صنعتی و بازارهای کار می‌کشاند و اکثر آنها مهاجران روستایی هستند که به منظور گذراندن بهتر زندگی راهی شهرها می‌شوند. به تعبیری حاشیه نشینی عبارت است از ساختمان یا بخشی از شهر که در آن ویرانی، نارسایی عرضه خدمات درمانی، تراکم زیاد جمعیت در واحدهای مسکونی، فقدان آسایش لازم و خطرات ناشی از عوامل طبیعی نظیر سیل، دیده می‌شود. البته به نظر می‌رسد به تعبیر یاد شده باید اوصافی چون عدم امنیت، جرم خیز بودن و نیز مامن و پناهگاه امن برای بزهکاران را اضافه نمود.

* دکترای مدیریت دولتی (دانشگاه علامه طباطبایی)

آبرامز از مفهوم زاغه‌ها و مناطق حاشیه نشینی تعبیری به این شرح ارائه می‌دهد: «ساختمان و یا بخشی از شهر که در آن ویرانی، نارسایی عرضه خدمات درمانی، تراکم زیاد جمعیت در واحدهای مسکونی، فقدان آسایش لازم و خطرات ناشی از عوامل طبیعی، دیده می‌شود».

شکوهی در تحقیقی در این مورد گفته است که در کشورهای در حال توسعه نظیر ایران که در یک مرحله خاص انتقالی قرار گرفته‌اند، مراد از حاشیه نشینی در شهرها عبارت است از:

(۱) منطقه‌ای از واحدهای مسکونی رو به ویرانی، فرسوده و با تجهیزات ناقص در حاشیه شهرها

(۲) تسلط فرهنگ فقر در منطقه

(۳) جدایی گزینی توده‌ای مردم روستایی از جامعه شهری

(۴) شهرکهای چسبیده به شهر با مواد و مصالح کم دوام ساختمانی

(۵) مهاجرت و سکونت بخشی از مردم روستاها در حاشیه شهرها

در نتیجه مفهوم حاشیه نشین شامل تمام کسانی است که در محدوده فضایی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شهر حضور و سکونت دارند ولی نحوه اسکان و معیشت آنها از جامعه شهری کاملاً متمایز است و در نتیجه با جامعه شهری هماهنگ نشده‌اند!

علل حاشیه نشینی

دکتر پرویز پیران در تحقیقی تحت عنوان «آلونک نشینی در تهران» پس از بحث طولانی در مورد شهرنشینی ناهمگون در ایران و تفاوت فرایند شهرنشینی در ایران با غرب به مسئله مسکن نابهنجار یا حاشیه نشینی پرداخته و آن را یکی از مهمترین مسایل برنامه ریزی شهری کشورهای جهانی، مهاجرت بی رویه و رشد غیرطبیعی شهری تشخیص می‌دهند. وی اشاره می‌کند که با نفوذ سرمایه‌داری جهانی در ایران رابطه ارگانیک میان سه نوع زندگی شهری، روستایی و ایلی در ایران از بین رفت و اشاعه الگوی مصرفی مدرن در کشور به دلیل ناتوانی زیر ساخت‌های موجود منجر به تمرکز فوق العاده شهری در پایتخت و چند شهر کشور شد. اصلاحات ارضی نیز فرایند مهاجرت را تشدید کرد و قشرهای پائین جامعه برای حل مشکلات مسکن که ناشی از تمرکز شدید جمعیت و امکانات شغلی در تهران بود به مسکن نابهنجار و آلونک نشینی روی آوردند.

به طور کلی در خصوص ایجاد پدیده حاشیه نشینی علل مختلفی می‌تواند موثر باشد از جمله علل زیر:

۱- سطح پایین درآمد خانوار و بالا بودن بهای زمین و هزینه ساخت و ساز رسمی و گرانی اجاره بها

۲- دافعه مبدا (مثل بی‌چیزی، نداشتن زمین) موجب گریز ساکنان آن از زادگاه خویش و سرازیر شدن آنها به سوی شهرها شده و سپس هزینه بالای زندگی شهری موجب پدید آمدن کانون‌های حاشیه نشینی می‌گردد.

۳- عامل دیگر قطعه بندی زمین‌ها است که موجب افزایش قیمت زمین شده و امکان خرید زمین توسط افراد کم درآمد و کم بضاعت گرفته می‌شود و ناچار به مناطق حاشیه نشین پناه می‌برند.

۴- فقدان منطقه بندی و کاربری نامناسب زمین. اگر شهرها به صورت مناسب، منطقه بندی و توسعه نیابند، زمینه برای ساخت و ساز غیرمجاز فراهم شده و محلات زاغه نشین پدید خواهد آمد. همچنین اگر زمین‌های مناسب برای خانه‌سازی به کاربری صنایع و یا دیگر موارد کاربری اختصاص یابد، ممکن است محلات فقیرنشین شکل بگیرند.

۵- مهاجرت، از عوامل موثر در شکل گیری حاشیه نشینی است. مهاجرت اعم از مهاجرت افراد از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ و نیز مهاجرت افراد از هسته داخلی شهر به حواشی آن می‌باشد.

۶- در شکل گیری مناطق حاشیه نشینی، حداقل در گسترش آن نقش و تاثیر خط مشی‌ها و عملکرد دستگاه‌های مسئول دولتی و عمومی را نباید نادیده گرفت.

ویژگی‌های حاشیه نشینی و شرایط زیستی حاشیه نشینان

مردمانی که به عنوان حاشیه نشین شناخته شده‌اند در حقیقت با اختیار کردن زندگی حاشیه‌ای و مشغول شدن به شغل‌های حاشیه‌ای، سرنوشتی حاشیه‌ای را نیز برای خود رقم زده‌اند. آنان اگر چه در کنار یا در بطن شهر هستند، اما ویژگی‌های مختص

به خود دارند. این خصوصیات گاه از فرهنگ شهری سرچشمه گرفته و با فرهنگ روستایی خویش تلفیق شده است. در بسیاری از موارد نیز هر دسته یا گروه از هر محلی که آمده‌اند، آداب و رسوم، فرهنگ و گاه حتی شیوه معماری خویش را نیز به آن نقطه انتقال داده‌اند. لذا از مهمترین مشخصه‌های حاشیه نشینی به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

- ۱) واحدهای مسکونی روبه ویرانی، فرسوده و با تجهیزات ناقص
 - ۲) تسلط فرهنگ فقر و انعکاس آن در رفتار مردم
 - ۳) گوشه گیری مردم از جریانات شهری
 - ۴) عدم توجه و بی‌اعتنایی سازمان‌های مسئول به نیازهای محله
- از نگاهی دیگر، ویژگی‌های عمومی قابل مشاهده در مناطق حاشیه نشین به شرح زیر هستند:

۱- سیمای نامطلوب: عمده ترین نماد جهانی حاشیه نشینی، سیمای نامطلوب آن است که احساس و وجدان و دیدگان آدمی را می‌آزارد و ساختمانهای تخریب شده و فرسوده را نمایش می‌دهد. گذرگاه‌ها و معابر پریپیچ‌وخم و کم عرض بوده و معمولاً راه دسترسی خودروهای امداد اعم از آتش‌نشانی، اورژانس و پلیس امنیت در مواقع بروز حوادث و خطرات وجود ندارد.

۲- پایین بودن سطح بهداشت عمومی و سلامتی: حاشیه‌نشین‌ها فاقد بهداشت عمومی و خصوصی در حد و اندازه استانداردهای جهانی و حتی ملی هستند و اقدام علیه بهداشت عمومی و محیط زیست در چنین مناطقی شایع است. انباشت زباله‌ها و عدم جمع‌آوری آنها، جریان فاضلاب منازل در کوچه‌ها و عدم دفع بهداشتی آن، آلودگی‌های صوتی و آلودگی هوا و غیره در این محلات مشهود است.

۳- فقدان شغل رسمی و درآمد کافی: اکثر خانواده‌های حاشیه نشینی شغل رسمی برای تامین معاش خود ندارند و چون این افراد عموماً فاقد مهارت و تخصص و سرمایه‌گذاری می‌باشند به مشاغل کاذب و بعضاً مجرمانه مثل دست‌فروشی، کوپن‌فروشی، تکدی‌گری، زباله‌دزدی، خرید و فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی روی می‌آورند. بر حسب آمارهای موجود درصد زیادی از افراد این مناطق فاقد شغل می‌باشند.

۴- وجود خرده فرهنگ‌های خاص مناطق کوچک: در مناطق حاشیه نشین، خرده فرهنگ‌های خاص مناطق کوچک هر یک از خانوارها که قبلاً ساکن آن بودند، مشاهده می‌شود. این فرهنگها بسیار دیر جذب فرهنگهای شهری می‌شوند و این امر و نیز فقر فرهنگی افراد از نظر فرهنگی و اجتماعی امکان نفوذ در آنها را برای اجرای برنامه‌های مختلف اجتماعی، چون بهداشت و تنظیم خانواده و غیره مشکل می‌سازد.

۵- اعتیاد: از عوامل گرایش به اعتیاد، فقر، بیکاری، فقدان برنامه صحیح جهت پر کردن اوقات فراغت، نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و در دسترس بودن مواد مخدر را می‌توان نام برد. معمولاً در مناطق حاشیه‌نشین بسیاری از این عوامل، قابل رؤیت است و بدان جهت اعتیاد به مواد مخدر در بین جوانان این مناطق و همچنین خرید و فروش مواد افیونی روز به روز افزایش می‌یابد.



پراکندگی جغرافیایی مکان‌های حاشیه نشینی

حاشیه نشینی‌ها در هر شکل خاص مانند زاغه، آلونک، کپر، گود و ... در بدترین نقاط شهری، در زمین‌های پست و اغلب غیرقابل استفاده و ناهنجار داخل یا در کنار شهرها، مسیل‌ها، کانال‌های فاضلاب، محل‌های تخلیه و تجمع زباله در اطراف راه آهن و کوره‌های آجرپزی و در نقاط جنوبی شهر که گاه از نظر شیب طبقاتی و گاه از نظر جغرافیایی کثیف‌ترین و متراکم‌ترین نقاط شهری هستند، مستقر شده‌اند. گاه بورس بازان، دلالان و واسطه‌گران سودجو در این تعیین مکان آنها موثرند. آنان با سوءاستفاده از این افراد آنها را به مکان‌های مورد نظر خویش هدایت می‌کنند تا بعداً منافع خود را تامین نمایند.

وضعیت مسکن حاشیه نشینان

اگر مسکن را حداقل سرپناه با کمترین تأسیسات و تجهیزات ممکن تصور کنیم، بسیاری از حاشیه نشینان فاقد آن هستند. مسکن حاشیه نشینان در شهرها و مناطق مختلف به صورت اتاق‌های حلبی، کپر، چادر، کوره‌های متروک، گرگین (همان دیوار با مصالح ساختمانی و سقف با حصیر و برگ درخت) یا اتاق‌های خواب با مصالح اولیه نامتعارف و به نحوی ناپایدار و نامقاوم ساخته شده‌اند. از نظر فرم و نوع و شکل این مراکز باید گفت که تلفیقی از مسکن شهری و روستایی یا محلی هستند.

ساختار جمعیتی مناطق حاشیه نشین

مناطق حاشیه نشین دارای بعد خانوار، تراکم و درصد رشد بالایی نسبت به سایر مناطق شهری بوده و افراد زیادی متشکل از پدر، مادر، فرزندان و گاه بستگان نزدیک، در فضایی محدود و زیر یک سقف زندگی می‌کنند. طبق یک نمونه بررسی شده در ایران ۶۳ درصد از این خانوارها در یک اتاق با زیربنای ۲/۵ مترمربع زندگی می‌کنند. در حالی که طبق میانگین استاندارد، اتاق باید با زیربنای ۱۸/۵ مترمربع ساخته شود.

ترکیب جمعیتی اجتماعات اکثراً از گروه‌های سنی نوجوان و جوان تشکیل شده است. ازدواج آنان نیز در سنین پائین و غالباً به صورت درون همسری بوده و جدایی در بین آنان به ندرت دیده می‌شود.

وضعیت بهداشت و خدمات رفاهی حاشیه نشینان

مناطق حاشیه نشین از نظر تأسیسات و تجهیزات بهداشتی و خدماتی دارای وضعیت نامطلوب و کیفیت پائین محیط زندگی هستند. در برخی از این مناطق مردم از نعمت آب آشامیدنی محرومند و گاهی آب را می‌خرند و گاه با شکستن لوله‌های اصلی شهر به لوله‌کشی محل سکونت خویش می‌پردازند. توالت‌های روباز و غیربهداشتی، محیط آلوده به کثافات و زباله‌ها در محل اسکان این قشر، محیط مناسبی برای شیوع انواع بیماری‌ها است. در زمستان کوچه‌ها پر از گل و لجن بوده و آب خیابان‌ها و کوچه‌ها به این مناطق سرازیر می‌شود. خانه‌ها فاقد سیستم فاضلاب بوده و پایین بودن سطح فرهنگ و سواد امکان استفاده از روش‌های صحیح بهداشتی را به آنان نمی‌دهد.

کیفیت آموزش و فرهنگ در جوامع حاشیه نشین

در مورد فرهنگ این جوامع باید گفت که حاشیه نشینان دارای منشأ روستایی هستند. آنان اغلب افراد غیر آشنا را به جمع خود راه نمی دهند. همچنین دارای همبستگی و تجانس بسیار عمیقی در موارد مشترک مانند امور مسکن هستند و در این موارد متحد و سازمان یافته عمل می کنند. همچنین به دلیل عدم توانایی با سختی ها و ناملایمات زندگی به سرنوشت اعتقاد زیادی دارند. در مورد کیفیت آموزش می توان به صورت خلاصه بیان کرد که اغلب اعضای خانواده آنها برای تأمین معاش مجبورند بخش زیادی از شب و روز خود را به کار بپردازند و به علت دوری از مناطق شهری و امکانات آموزشی و نبود تأمین اجتماعی بسیاری از ایشان از بیسوادی زیاد به علت فقر مادی و فقر فرهنگی رنج می برند.

وضعیت اشتغال در جوامع حاشیه نشین

به طور کلی در میان جوامع حاشیه نشین کم کاری و بیکاری پنهان رواج دارد که علت آن در کشورهای توسعه نیافته می تواند رشد ناهمگون یا ناهماهنگ بخش سوم اقتصاد و کاهش یافتن رشد و توسعه در بخش کشاورزی و صنعتی باشد که در نهایت به مهاجرت روستائیان به شهرها برای یافتن کاری مناسب می انجامد و البته عوامل فرهنگی - اجتماعی و زرق و برق چشم نواز شهری در این امر بی تأثیر نیست. اما به علت رشد بی رویه جمعیت شهری و عدم تولید مشاغل مولد معمولاً در این جهت نیز به در بسته می خورند، به عبارتی نه راه پس دارند و نه راه پیش و مجبور به انجام دادن مشاغل چون کارگری ساختمان هستند. با توجه به رشد ناموزون بخش سوم اقتصاد و توسعه مشاغل خدماتی مانند کارگری ساختمان یا مشاغل کاذب مانند دست فروشی، دوره گردی یا سیگار فروشی یا مشاغل انحرافی چون توزیع و قاچاق موادمخدر یا سایر مشاغل انحرافی دیگر، در نهایت درصد کمی از این افراد به مشاغل مفید دست می یابند.

اثر حاشیه نشینی بر تهدید امنیت اجتماعی

حاشیه نشین ها جزء مناطق مستعد ارتکاب جرم هستند، فقدان نظارت امنیتی کافی، وجود تعداد زیادی افراد نیازمند و بیکار، سطح پایین سواد، فقدان روشنایی کافی در معابر و وضعیت جغرافیایی بعضی مناطق، همه باعث می شود مجرمان به راحتی در آنجا پناه گیرند و تا زمانی که این عوامل زمینه ساز وجود داشته باشد، این مناطق بالقوه جرم خیز خواهند ماند. جوانان حاشیه نشین با فرهنگ ویژه، روزها عازم مرکز شهر می شوند تا کاری دست و پا کنند. با توجه به فقدان تخصص و آموزش کافی، عمدتاً به کار دستفروشی، پهن کردن بساط، سیگار فروشی، کار در میدین تره بار و ... می پردازند و به این ترتیب به صورت زائده فعالیت های شهری در می آیند. این مشاغل غیر تخصصی و زائد خود به عنوان یک عامل سوق دهنده به سوی جرم عمل می کنند. به عنوان مثال در یک مطالعه مربوط به مشاغل افراد معتاد، همه افراد نمونه مشاغل کاذب و غیر تخصصی داشته اند. از جمله دیگر جرائم مطرح که در حاشیه نشین ها وجود دارد بروز بیماری های تناسلی و ایدز، می باشد.

احساس ناامنی در محله، تنها به دلیل جرایم خشونت آمیز نیست بلکه ناپهنجاریها و رفتارهای اخلاص گرانه چون اعتیاد، ولگردی، تکیه گری و سرقت، گذشته از اینکه عامل اصلی ترس و احساس ناامنی عمومی هستند به نوبه خود زمینه رواج گسترده جرایم را نیز فراهم می نمایند. همان طوری که اگر پنجره ای از ساختمان بشکند و همچنان تعمیر نشده رها گردد به زودی کل ساختمان منهدم خواهد شد.

برای پیشگیری از انهدام اجتماع نیز باید به محض شکسته شدن اولین هنجار فوراً با هنجار شکنی برخورد مناسب صورت پذیرد. موضوع حاشیه نشینی یکی از معضلات شهری است که از حیث بستر قرار گرفتن برای ارتکاب جرایم مورد توجه کارشناسان حقوقی و قضایی و جرم شناسان بوده است. این که جرایم در مناطق حاشیه ای بسیار بیشتر از سایر مناطق اتفاق می افتد، مورد پذیرش همه است حاشیه نشینی، نوعی سکونت است که در آن افراد در مناطق مجاور شهر اقامت دارند و از حداقل امکانات و خدمات بی بهره اند البته باید گفت قید مجاور شهر در مواردی نقض می شود، به این دلیل که شهرک های اقماری در نواحی مجاور شهر به تدریج باعث می شود تا حاشیه نشین ها بین نواحی شهری جای گیرند. به این ترتیب آن چه باقی می ماند فقدان برخورداری از حداقل امکانات و خدمات شهری برای ساکنان این مناطق است. این امر باعث می شود برخی مناطق درون

محدوده جغرافیایی شهر جزئی از حاشیه‌نشین‌ها تلقی شود. می‌توان گفت حاشیه‌نشین فردی است مهاجر یا غیر مهاجر که به دلیل فقدان تخصص و نبود بنیان‌های مالی توانمند و طبقه و فرهنگ اجتماعی متناسب با طبقات و فرهنگ متعارف شهری، در حاشیه واقع شده است.



این افراد بیشتر به علت عوامل رانش زادگاه خود و کمتر به دلیل عوامل جاذب شهری، زادگاه خویش را ترک کرده و به شهرها روی می‌آورند. آنها به دلیل عدم تطبیق با محیط شهری از یک سو و بر اثر عوامل پس ران شهری از سوی دیگر از محیط شهری پس زده می‌شوند و به تدریج در کانون‌های به هم پیوسته و یا جدا از یکدیگر در قسمت‌هایی از شهر سکنی می‌گزینند، به صورتی که محل سکونت و نوع مسکن آنها با محل سکونت متعارف شهری مغایر بوده و مالکیت آنها غالباً غصبی است و همچنین این افراد از نظر وضعیت فرهنگی و اقتصادی نیز با جمعیت شهری تفاوت دارند. حاشیه‌نشین‌ها مشکلات اجتماعی موجود در شهرها را تشدید کرده و آنها را گسترده‌تر می‌سازد. وجود حاشیه‌نشینان در مناطق حاشیه‌ای شهرها به لحاظ تقاضا برای استفاده از منابع آموزشی و پرورشی می‌تواند موجب افزایش فشار بر منابع موجود در این زمینه می‌شود و یا اینکه میانگین نرخ بی‌سوادی را افزایش می‌دهد. چنانچه بدون برنامه‌ریزی و به صورت بنیادین و ریشه‌ای با پدیده‌ها و معضلات اجتماعی برخورد نشود موجب پیدایی آنها در شکل و شمایل دیگر خواهد شد.

تاثیر محیط زندگی در بسترسازی وقوع جرایم در مناطق حاشیه‌نشین

قطعا محیط اعم از محیط اجتماعی و محیط زندگی در وقوع جرم تاثیر بسزایی دارد. این امر به اثبات رسیده و در حال حاضر جرم‌شناسان، جامعه‌شناسان و حقوقدانان آن را مورد پذیرش قرار داده‌اند و نظریات و نتیجه تحقیقات انجام شده مبین تاثیر گذاری محیط در وقوع جرایم می‌باشد. اعمال مجرمانه یا بزهکارانه بعد از شکل‌گیری پدیده حاشیه‌نشین عبارتند از:

۱- سرقت: سرقت از جمله جرایم علیه اموال است و جرم‌شناسان عللی را برای آن برشمرده‌اند؛ از جمله فقر و نیاز مالی، بیکاری، اعتیاد، انتقامجویی، کینه و حسد. بیشتر علل یاد شده را می‌توان در مناطق حاشیه‌نشین مشاهده نمود. معمولا این افراد در محل‌های مرفه یا متوسط شهر اقدام به سرقت می‌نمایند. در مناطق حاشیه‌نشین سرقت برق، آب و گاز و تلفن نیز شایع است. چون این مناطق خصوصا در مراحل اول شکل‌گیری فاقد خدمات فوق هستند به نحوی از انحاء و با انجام سیم‌کشی‌ها و لوله‌کشی‌های پنهانی به سرقت آب، برق، گاز و تلفن از نزدیک‌ترین محل ممکن (اعم از مسکونی، صنعتی، تجاری و خدماتی) اقدام می‌نمایند.

۲- قتل عمد: تعارض خرده فرهنگها، خصومت و اختلافات دیرینه، سودجویی و تحصیل اموال، جریحه دار شدن غیرت و آبرو و نزاع‌های اتفاقی و اعتیاد از جمله علل وقوع قتل می‌باشد. این علل و عوامل به روشنی در مناطق حاشیه‌ای قابل رویت می‌باشد. بیشتر قتل‌های اتفاق افتاده یا در این مناطق صورت می‌گیرد یا توسط کسانی که در این مناطق زندگی کرده‌اند به وقوع می‌پیوندد.

۳- نزاع‌های دسته جمعی: از جرایم شایع در مناطق حاشیه‌ای می‌باشد. چون ساکنان این مناطق معمولا مهاجران از روستاها و ایل‌ها می‌باشند و معمولا در یک محل و در نزدیک هم سکنی می‌گزینند و در مواقعی به سبب درگیری‌های جزئی حادث شده

بین دو نفر و حتی کودکان نزاع‌های دسته جمعی شدیدی که معمولاً منجر به کشته و زخمی شدن عده‌ای از منازعه کنندگان می‌شود، رخ می‌دهد.

۴- تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست: ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی چنین مقرر داشته است: «هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود، از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده، دفع غیربهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زاید، ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه، زباله در خیابان‌ها و کشتار غیرمجاز دام، استفاده غیرمجاز فاضلاب خام یا پس آب تصفیه خانه‌های فاضلاب برای مصارف کشاورزی، ممنوع می‌باشد و مرتکبان چنانچه مطابق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یکسال محکوم خواهند شد». در مناطق حاشیه نشین، فاضلاب منازل در کوچه‌ها رها شده، جدول کشی و کانال کشی مناسبی جهت هدایت این آبهای کثیف وجود ندارد و این آبها در سطح کوچه‌ها در جریان است. خدمات شهری مثل جمع آوری و دفع زباله به آن شکلی که در داخل شهرها وجود دارد در این مناطق دیده نمی‌شود و در برخی از منازل احشام نگهداری می‌شود و فضولات آن در منزل و محله منتشر می‌شود. کشتارهای غیرمجاز و غیر بهداشتی در این مناطق صورت می‌گیرد و همه این موارد از مصادیق تهدید علیه بهداشت عمومی و محیط زیست می‌باشد که قابل تعقیب کیفی هستند. همچنین تخلفات بهداشتی در اماکن عمومی مناطق حاشیه‌ای مثل مغازه‌ها و نیز آلودگی‌های صوتی و آلودگی هوا که در این مناطق مشهود است، از همین نوع می‌باشند.

۵- اعتیاد و خرید و فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی: توزیع مواد مخدر در این مناطق به راحتی امکان پذیر است و آن هم ناشی از احساس امنیتی است که توزیع کنندگان این مواد در آن مناطق دارند. به دلیل فقر علمی و آگاهی ساکنان این مناطق و بیکاری وسیع و جهت رهایی یافتن مقطعی از برخی فشارهای روحی و غیره میل به استعمال مواد مخدر در این مناطق بیشتر می‌باشد. برخی از جوانان بیکار و حتی نوجوانان شغل و حرفه خود را خرید و فروش مواد مخدر قرار داده‌اند و یا مکان و وسایل استفاده از آن را در اختیار متقاضیان قرار می‌دهند و از این راه به کسب سود نائل می‌آیند.

عمده ترین آسیب‌های ناشی از حاشیه نشینی بحث کودکان

اولین و بیشترین قربانیان این زندگی حاشیه نشینی، کودکان می‌باشند که از سوء تغذیه رنج می‌برند و از زندگی و دنیای کودکانه خود لذتی نمی‌برند. این کودکان به دلیل وارد شدن به بازار کار و عدم دسترسی به مدارس و عدم توانایی مالی، از تحصیل محروم شده و یا درصد ناچیزی از آنان به مقطع ابتدایی و یا راهنمایی و دبیرستان راه می‌یابند. بنابراین اشتغال به کار عامل بازدارنده‌ای در ادامه تحصیل و آموزش‌های مدرسه‌ای در کودکان شاغل این مناطق به شمار می‌رود (آرمان، ۱۳۸۸، ص ۱).

مسئله مسکن

رشد روز افزون شهرنشینی، مسائل جدید و خاصی را در زندگی و در روابط انسانها به وجود آورده است. یکی از عمده ترین این مشکلات، مسکن می‌باشد (طالقانی، ۱۳۶۹: ۱). سیمای مسکن و تجهیزاتی که مراتب رفاه و آسایش ساکنان را فراهم می‌کند، از وضع اقتصادی صاحبان آنها ناشی می‌شود. به همین دلیل، نامتعارف‌ترین و غیر استانداردترین خانه‌ها در مناطق شهری متعلق به حاشیه‌نشین‌ها است (نقدی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۲).

مسئله اقتصاد

ساختار شغلی مردان در مناطق حاشیه نشین کارگری، مشاغل آزاد، رانندگی، مغازه داری، دست فروشی، مشاغل کاذب نظیر کوبین فروشی، سیگار فروشی، دستفروشی و دلالی بر سر چهار راهها است. به طور کلی، اشتغال غیر قانونی، کاذب، ناسالم، سیاه

و زیرزمینی، در میان ساکنان حاشیه نشین غلبه دارد. معمولاً حاشیه‌نشینی در بطن خود نوعی حاشیه نشینی اقتصادی به معنی اشتغال در بخش غیر رسمی و عدم جذب در نظام رسمی اقتصاد شهری را در پی دارد (نقدی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۳).

بافت چند قومیتی

مناطق حاشیه نشین دارای بافت و ترکیب چند قومیتی می‌باشد و همین وضع موجب تنش‌ها و تعارض‌ها و حتی نزاع‌های پراکنده قومی در این مناطق شده است (نقدی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۱).

نارضایتی‌های اجتماعی

میزان رضایت از خدمات رسانی شهرداری در این محله‌ها بسیار پایین است. اصولاً محله‌های حاشیه نشین به طور خود رو در زمین‌های بدون برنامه شکل می‌گیرند لذا فاقد تاسیسات زیر بنایی بوده و مسئولان شهرداری نیز خود را موظف به تامین تاسیسات آن نمی‌دانند و حتی در صورت تمایل مسئولان، تامین تاسیسات زیربنایی این مناطق به علت پراکندگی و دور بودن از بافت اصلی، بسیار گران و مشکل است. از طرفی چون محلات حاشیه نشین خود را جزئی از شهر می‌دانند لذا از کمبود خدمات رسانی به این محلات احساس نارضایتی دارند (نقدی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۵).

آسیب‌های اجتماعی حاصل از حاشیه نشینی

به زعم آسیب شناسان اجتماعی، همه اشکال ناپهنجاری‌های اجتماعی چون سرقت، قتل، قاچاق، خودکشی، فحشاء، اعتیاد، الکلیسم و نظایر آن، چه به مثابه انحراف و چه در زمره بیماری یا اختلال، معلول ناسازگاری‌های اجتماعی است که بر روابط فرد و جامعه حاکم‌اند و در مناطق حاشیه نشین نمود بیشتری می‌یابند. آسیب‌های اجتماعی ناشی از فقر و بیکاری، اعتیاد و خرید و فروش مواد مخدر، ولگردی، دعوا و درگیری بسیار زیاد است. از این رو می‌توان گفت که حاشیه نشینی، نمودی از آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی است. اعتیاد و فروش مواد مخدر یکی از مسائل و آسیب‌های اجتماعی بحرانی در مناطق حاشیه نشین است. همچنین با مشاهده میدانی در این مناطق می‌توان دریافت که چهره بسیاری از ساکنان این مناطق به ویژه جوانان به اعتیاد آلوده است. در این مناطق همه می‌دانند که محل‌های توزیع و مصرف مواد مخدر کجا است و یا چه کسانی آن را توزیع می‌کنند. همچنین دعوا و درگیری جوانان و ولگردی و بزهکاری، یکی دیگر از جلوه‌های آسیب شناسی اجتماعی این مناطق است به طوری که ولگردی، خشونت و تنش‌گرایی جوانان، از جلوه‌های بارز آسیب شناسی مناطق حاشیه نشین است. در مراتب بعدی در این مناطق، الکلیسم، فساد و فحشاء، دزدی و سرقت نیز وجود دارد. حاشیه نشینی به دو نظام فرهنگی «روستایی و شهری» وابسته است و در عین حال، به هیچ یک، تعلق و تمایل کامل ندارد. در حاشیه بودن به گسیختگی از نظام ارزشی پیشین و احساس رهایی نسبی از یوغ کنترل اجتماعی شهری منجر می‌شود و نوعی عدم انسجام و همبستگی را پدید می‌آورد که علاوه بر افزایش استعداد و قابلیت رشد آسیب‌های اجتماعی، سبب اختلال در نظم و امنیت عمومی می‌شود (نقدی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۶).

سایر مشکلات زندگی حاشیه نشینی

حاشیه نشینی از یک سو می‌تواند تهدیدها و مسائلی را برای نظام شهری ایجاد کند و از سوی دیگر در حاشیه ماندن، مسائل عدیده‌ای را برای ساکنان این مناطق در پی دارد. مهمترین مشکلات زندگی در محلات حاشیه نشین عبارتند از بی‌کاری و نداشتن شغل دائم سرپرست خانوار، مشکل مالی و کمبود درآمد، نداشتن خانه و مسکن مناسب، محیط بد اجتماعی و فرهنگی این محلات، عدم رسیدگی شهرداری، کمبود امکانات رفاهی - تفریحی برای فرزندان، انحرافات اجتماعی زیاد از جمله اعتیاد، نبود امنیت به ویژه برای دختران و ...

همچنین در بیان مهمترین مسائل و مشکلات محلات حاشیه نشین به مواردی نظیر آسفالت نبودن کوچه ها، کمبود بهداشت و سرپوشیده نبودن فاضلابهای محله، کمبود امکانات رفاهی، شلوغی محله‌ها و تراکم جمعیتی، بافت روستایی و چند قومی می‌توان اشاره نمود (نقدی، ۱۳۸۵، ص ۱۶).



انتظارات و مطالبات حاشیه نشینان

از بررسی منابع گوناگون در این مقوله می‌توان خواسته‌ها و انتظارات حاشیه نشینان را در چهار محور عمده بی‌توجهی مسؤلان، مقوله مسکن، امنیت و بیکاری تقسیم کرد.

بعد مسکن: به طور خلاصه داشتن سرپناه و مسکن ارزان قیمت و مقاوم و با مساحت مناسب به نسبت جمعیت هر خانواده و با محیط مناسب، معمولا دولتهای جهان سوم توانایی برآورده کردن این نیازها را ندارند.

بعد امنیت: ساکنان این مناطق (شرافتمندان) جمع آوری اراذل و اوباش و مجرمان و پخش کنندگان موادمخدر و سایر انحرافات و حضور مؤثرتر و قاطع نیروی پلیس برای کنترل عوامل ناامنی و مبارزه با جرایم سازمان داده شده را خواستار می‌باشند.

بعد بیکاری: یکی از مهمترین علل مهاجرت روستائیان به شهرها است. داشتن شغل مناسب و شرافتمند و باثبات، از آرزوهای ایشان می‌باشد. زیرا همچنان که اشاره شد با توجه به رشد بی‌رویه و غیرمنطقی بخش سوم اقتصاد یعنی خدمات مشاغل کم درآمد و بی‌ثباتی همچون کارگری در بخش ساختمان، دوره گردی، تکدی گری و ... را می‌توان نام برد. موارد یاد شده به نظر تهیه کننده عمده ترین مشکلات پیش روی ساکنان این مناطق در جهان از جمله ایران است.

راهکارهایی برای جلوگیری از گسترش حاشیه نشینی

در بخش‌های قبلی شاخصه‌ها و مشکلات حاشیه نشینی در جوامع شهری، مورد بررسی قرار گرفت. در این بخش با توجه به زمینه‌هایی مانند مسکن و مسائل حقوقی به ارائه راهکارها و پیشنهادهایی برای کاهش مشکلات حاشیه نشینی، پرداخته می‌شود. شایان ذکر است که راهکارها و پیشنهادها مورد اشاره، عمدتا مبتنی بر واقعیات برآمده از مطالعات و مشاهدات میدانی در مناطق شهری است که در ضمن بحث به نمونه‌هایی از آنها اشاره خواهد شد.

به طور کلی در زمینه راهکارهای جلوگیری از گسترش حاشیه نشینی باید به دو اصل توجه داشت: یکی ریشه یابی مشکلات اجتماعی نظیر حاشیه نشینی و دیگری برنامه ریزی برای برطرف نمودن موانع و عوامل پیدایش و گسترش این پدیده اجتماعی. در برخورد با پدیده حاشیه نشینی باید به جای توجه به معلول، بروز علت‌ها را مورد بررسی قرار داد و با برنامه ریزی جامع و علمی برای برطرف کردن این پدیده تلاش کرد. بنابراین امکان از بین بردن این معضل اجتماعی وجود دارد به شرط آن که شناخت و برنامه ریزی علمی جانشین برنامه ریزی مقطعی، ظاهری و یا ساده انگاری شود. اختلاف سطح توسعه در زمینه‌های

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میان شهر و روستا یکی از عوامل عمده مهاجرت روستاییان به شهرها و در نتیجه بروز و گسترش پدیده حاشیه نشینی است و تا زمانی که این اختلاف سطح از بین نرود، همچنان مهاجرت از روستا به شهرها و نیز ایجاد مناطقی به نام حاشیه ادامه خواهد یافت.

از بین بردن اختلاف سطح میان روستا و شهر بدین معنا نیست که روستاها به شهر تبدیل شوند و یا همه امکاناتی که در شهرها وجود دارد باید در روستاها فراهم شود بلکه باید امکانات خاصی که موجب این اختلاف سطح گردیده در معیاری معقول و مناسب در روستا ایجاد شود تا موجب اقامت و ماندگاری روستاییان در روستاها و نیز مانع مهاجرت‌های انبوه آنان به شهرها شود.

در زمینه‌های چهارگانه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی اولویت باید با روستاها باشد تا اختلاف سطح توسعه از بین برود و پس از اینکه در زمینه‌های یاد شده میان شهرها و روستاهای کشورمان به سطحی برابر دست یافتیم آنگاه می‌توانیم به طور مساوی شهرنشینان و روستاییان را از امکانات توسعه بهره مند سازیم. در صورت محقق شدن این هدف، روستاییان نیازی به مهاجرت توده‌ای به شهرها نمی‌بینند. با توجه به موارد فوق، جهت پیشگیری و کاهش جرم در مناطق حاشیه نشین راهکارهای زیر را می‌توان مد نظر قرار داد:

- ۱- ارتقاء کیفیت سکونت از طریق اعطای برخی امکانات و تسهیلات و سعی در تطبیق منازل و محلات با اصول و معیارهای شهرسازی. سرمایه گذاری در این مناطق بدون هیچگونه چشم داشت یا توجه به توجیه اقتصادی و درآمدزایی برای دستگاههای مربوط از جمله شهرداری‌ها صورت پذیرد.
- ۲- احداث معابر و گذرگاه‌های عادی و ویژه در این مناطق که امکان دسترسی آسان و فوری پلیس و نیروهای انتظامی و امنیتی و اکیپ‌های امداد مثل خودروهای آتش نشانی و اورژانس و غیره را فراهم نماید.
- ۳- ایجاد روشنایی کافی در کوچه‌ها و معابر. تجربه نشان داده که در مکانهای تاریک امکان ارتکاب جرم از جمله سرقت و جرح و قتل بیشتر از مکانهای روشن است و وجود روشنایی کافی در این مناطق خود عامل بازدارنده در ارتکاب جرایم ذکر شده خواهد بود.
- ۴- شناسایی اراذل و اوباش و مجرمان سابقه دار این مناطق و تشکیل شناسنامه برای نامبردگان و تحت کنترل قرار دادن آنها از طریق احضارهای اتفاقی به مراجع انتظامی.
- ۵- بالا بردن ضریب امنیتی مناطق یاد شده توسط مراجع انتظامی و امنیتی از طریق ایجاد کلانتریها و مراکز انتظامی ثابت و حضور مرتب گشت‌های سیار در محلات و معابر
- ۶- تعطیلی سریع مراکز صنفی فاقد مجوز و پروانه کسب و الزام آنها جهت اخذ مجوز و پروانه کسب و سایر مجوزهای لازم و سپس نظارت کامل و دقیق نسبت به فعالیت مراکز یاد شده و برخورد قاطع با افراد متخلف توسط واحدهای اماکن عمومی نیروی انتظامی
- ۷- زیباسازی ظاهر ساختمانها و بناهای موجود در این مناطق (بر اساس تحقیقات ثابت شده که مسکن بد و کثیف در زمینه سازی برای وقوع جرم تاثیر دارد)
- ۸- ایجاد فضاهای تفریحی و فراغتی سالم جهت پرکردن اوقات فراغت ساکنان مناطق حاشیه‌نشین و فرهنگ سازی و آموزش آنان
- ۹- بازرسی و نظارت دوره‌ای و سر زده کارشناسان بهداشت و محیط زیست از مناطق حاشیه نشین و جلوگیری از اقدام علیه بهداشت عمومی و محیط زیست
- ۱۰- در تصویب طرح‌ها و برنامه‌ها و پروژه‌های مهم شهری از نظر مشورتی و تایید جامعه شناسان، حقوقدانان و به ویژه جرم شناسان استفاده شود.
- ۱۱- شناسایی، پیشگیری و کاهش جرایم در مناطقی که هنوز حاشیه نشینی در آنها رواج نیافته ولی مستعد حاشیه نشینی هستند.

معرفی راهبرد ساماندهی با توجه به حوزه‌های مختلف مرتبط با معضل حاشیه نشینی

حوزه مسکن

یکی از عوامل اصلی گسترش حاشیه نشینی عدم توجه به افشار کم درآمد در برنامه ریزی کالبدی در بخش مسکن شهری است. از این رو باید با تدوین و اجرای برنامه دراز مدت و توسعه درونزا و تغییر بافت سنتی و ساختار اجتماعی-اقتصادی شکل گرفته در جامعه و برنامه ریزی شهری و مسکن به اصلاح بافت فضاهای حاشیه‌ای شهری از جمله مسکن پرداخت.

حوزه مسایل حقوقی

مسئله مالکیت زمین و مسکن، عدم احراز مالکیت، تصرف زمین و عدم هماهنگی سازمان‌ها موجب مشکلات حقوقی شده است. اقدام یکسویه اداره ثبت و صدور سند مالکیت برای متصرفان، بدون توجه به ابعاد دیگر و نظر سایر سازمان‌ها موجب رسمیت بخشیدن به اقدامات متصرفان می‌شود.

حوزه مسایل مدیریتی و خدماتی

عدم ارائه خدمات توسط شهرداری و در عین حال ارائه خدمات توسط ادارات دیگر از قبیل اداره برق و ... موجب نابسامانی، توسعه نامتوازن و ناهماهنگی مدیریتی در این مناطق می‌شود که خود مشکلات تصمیم‌گیری بعدی و سر در گمی تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران را به دنبال خواهد داشت.

حوزه مسایل زیست محیطی

نبود شبکه فاضلاب، رهاسازی زباله، غیربهداشتی بودن مسکن، نداشتن تهویه و سرویس بهداشتی نامناسب و فضای ناکافی و غیر استاندارد، تراکم بالای جمعیت، مصالح نامرغوب در ساختمانهای مسکونی و ... از دیگر نارسائیهای موجود در مناطق حاشیه‌ای می‌باشد.

حوزه اجتماعی و فرهنگی

سکونت گاه‌های غیررسمی با جمعیتی ناهمگون و شکل‌گیری جزیره‌های فقر در درون و حاشیه شهرها، پذیرای ناهنجاریها و برانگیزاننده آسیبهای اجتماعی هستند. بدین ترتیب پرداختن به مسأله اسکان این افراد نه تنها ضرورتی برآمده از ارزشهای اعتقادی و انسانی است بلکه سازگار با منافع اجتماعی و توسعه ملی است. در تحلیل انحرافات اجتماعی باید به مسائل از ابعاد مختلف توجه نمود. از جمله در این زمینه باید به نکات زیر توجه شود:

- بررسی علل انحراف در ابعاد فردی و اجتماعی
 - توجه به وجود خرده فرهنگ‌ها
 - توجه به کنترل اجتماعی در جامعه و خانواده
 - توجه به امکانات موجود در جامعه و محدودیت‌های آن
- در نهایت، توسعه بی‌رویه و نبودن طرح ریزی و نقشه‌بندی علمی شهری، افزایش ساخت و سازهای بی‌ضابطه و ناهنجار، رشد بی‌رویه جمعیت، عدم تناسب بین امکانات موجود و نیازها، ناهمگونی فرهنگی، وضعیت نامناسب اقتصادی اغلب ساکنان و ... از دیگر ویژگیهای مناطق حاشیه نشین است.

به این ترتیب برای رفع معضل حاشیه نشینی دو استراتژی بلندمدت و کوتاه‌مدت قابل طرح ریزی است:

در مورد گزینه اول (استراتژی بلندمدت) باید گفت که بدون استراتژی درازمدت در زمینه توسعه و تغییر بنیادین ساختارهای اقتصادی جامعه نمی‌توان معضل حاشیه نشینی را ریشه کن کرد؛ در این راستا گرایش اقتصاد ملی به تولید و کاستن از جذابیت

و رونق واسطه گری و نیز اصلاح الگوی مصرف جامعه قابل طرح هستند که قطعاً با اصلاح و بهبود عمومی وضعیت اقتصاد ملی ارتباط تنگاتنگی دارند. اما در عین حال با توجه به اینکه حاشیه نشینی به عنوان یک معضل جهان شمول مطرح می باشد لذا در کوتاه مدت نیز چاره‌ای جز ساماندهی این مناطق برای دولت‌ها باقی نمی ماند. این رهیافت همان استراتژی کوتاه مدت است که در ادامه اجزای پیشنهادی آن مورد بررسی قرار می گیرند:

دیدگاه سیستمی جهت ساماندهی مناطق حاشیه نشین

ساماندهی در صورت تکیه بر شناخت صحیح و دقیق جوامع حاشیه نشین، با مشارکت دولت و مردم می تواند ما را در دستیابی به برخی اهداف کوتاه مدت یاری نماید. البته همراه با آن مدیریت صحیح و برنامه ریزی برای توسعه فضای شهری از این نقطه به بعد (حال و آینده) الزامی است. بر اساس دیدگاه سیستمی هر فضای جغرافیایی، هر چشم‌انداز جغرافیایی و هر محیط ساخته شده (از جمله شهر) یک سیستم مکانی- فضایی است که تحت تأثیر و هم پیوندی عوامل و عناصر مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و طبیعی در سطوح محلی، ناحیه ای و جهانی شکل گرفته است و توقف و شکوفایی اقتصادی، توسعه اجتماعی و کیفیت زندگی مردم شهرها، با اوضاع مذکور ارتباط می یابد. شهر نیز یک کلیت سیستمی مکانی- فضایی است که دارای اجزاء و عناصر سیاسی اجتماعی، کالبدی و طبیعی است که در ارتباط و تأثیرات متقابل با هم نقش عمده ای بر کل سیستم دارند از این رو در یک مطالعه شهری از حیث سیستمی باید شهر را از چهار جهت، زیر ذره بین قرار داد:

۱- اجزاء یا عناصر ۲- ساختار ۳- کارکرد ۴- هم پیوندی

بهترین طریق بررسی یک سیستم، شناسایی نقاط مسئله خیز آن است تا با شناخت این نقاط مسئله خیز، عوامل اصلی عدم کارایی این سیستم از میان برداشته شود. برای وصول به بافت شهری مناسب که امکان یک زندگی سالم شهری را فراهم آورد، توسعه باید متکی بر اصول و موازین شهرسازی و یک برنامه ریزی دقیق و پویا باشد به گونه ای که توزیع بهینه ای از جمعیت، خدمات عمومی، تأسیسات و ... را داشته باشد. به بیان ساده تر توسعه باید به عنوان جزئی از کل سیستم (شهر) دیده شود و عملکرد جزء منطبق بر عملکرد کل باشد.

سیاست‌ها و راهکارهای ساماندهی کدامند؟

ساماندهی اقدامی است در راستای رسمیت بخشیدن قانونی و حقوقی به جوامع حاشیه نشین و بازسازی و بهسازی فضاهای حاشیه نشین و آماده سازی و اسکان ساکنین حاشیه نشین در فضای جدید. از نگاه علمی و نیز به تجربه، ثابت شده است که نادیده انگاری افراد ساکن در این محل‌ها، تخریب و پراکنش اجباری و مانند آن، بدترین سیاست‌های برخورد با پدیده حاشیه نشینی حداقل از نگاه برنامه ریزی و آکادمیک می باشند. پدیده حاشیه نشینی خود پیامد عدم برنامه ریزی درست مدیریتی و توسعه ناکارآمد است لذا سیاست نادیده انگاری یا برخورد قهری به نوعی مبین عدم توانایی و کارایی مدیران و برنامه ریزان در اتخاذ تدابیر مناسب در این خصوص می باشد. بنابراین در این راستا چهار راه حل زیر پیشنهاد می گردند:

۱- بهسازی فضاهای حاشیه نشینی

این راهکار ضمن رسمیت بخشیدن و احترام به مالکیت ساکنین بر زمین، به دنبال جلب اعتماد و همکاری مردم از طریق مساعدت‌های داوطلبانه و انسان دوستانه و البته حساب شده دولت است. لذا اهداف عمده این راهکار به شرح زیر است:

- حفظ اسکان در فضاهای موجود
- رسمیت بخشیدن به مالکیت حاشیه نشین
- نظم دادن و بهبود بافت و مناظر فضاهای حاشیه نشین
- ایجاد زمینه های سیاسی و روحی- روانی (انگیزشی) تحرک و پویایی در این جوامع

خط مشی های اجرایی برای بهسازی فضاهای حاشیه نشین

تأکید بر خودیاری و همکاری داوطلبانه ساکنان در بهسازی این مناطق از طریق جلب اعتماد آنان به فعالیت های دولت تنظیم ساز و کاری برای رسمیت بخشیدن به مالکیت قطعات تفکیکی تحت تصرف پرداخت وام درازمدت
تأمین مصالح ارزان قیمت
در اختیار گذاشتن ماشین آلات دولتی در حد مقدرات
اخذ طولانی مدت هزینه های بهسازی از ساکنان
ایجاد مالکیت مشروط به مفهوم عدم قابلیت انتقال مالکیت در صورت عدم پرداخت هزینه های ساماندهی

۲- نوسازی فضاهای حاشیه نشین (در صورت عدم امکان بهسازی)

تخریب و نوسازی بافت منطقه و تصحیح کلی نقشه آن ضمن رسمیت دادن به ساکنان که به دو صورت قابل بررسی و اجرا است:

الف- استفاده از مساعدتهای دولت با تأکید بر خودیاری مردم. به عبارت دیگر پس از تخریب مناطق فرسوده و ناهمگون فعلی با نظارت دستگاههای دولتی، ایجاد بناهای جدید با حمایت دولت (اعم از پرداخت وام های کم بهره بلندمدت) صورت پذیرد.
ب- استفاده از پتانسیل ها و منابع مالی بخش خصوصی جهت بلندمرتبه سازی و ارائه تسهیلات برای رهن یا اجاره مسکن برای مالکان در طول دوره بازسازی اماکن و نظارت دقیق دولت در جهت احقاق حقوق کامل طرفین

۳- جابجایی و اسکان در مکان های جدید

در صورت عدم امکان بهسازی یا نوسازی فضاهای حاشیه نشین و حفظ اسکان در آنها باید به تخصیص، آماده سازی، نوسازی و اسکان جدید جمعیت در فضایی دیگر پردازیم. در این راهکار، مساعدت های دولت بسیار حائز اهمیت بوده و بر خودیاری مردم نیز تأکید می گردد. لازم به ذکر است که لزوماً تمامی راهکارهای پیشنهاد شده فوق برای کلیه مناطق شهری کاربرد ندارند و در این خصوص باید به شرایط اقتضایی آن منطقه و توانایی و امکانات حاشیه نشینان نیز توجه شود. به عنوان مثال به نظر می رسد راهکار ارائه شده در بخش ب پیشنهاد مطلوبی در جهت حل معضل حاشیه نشینی در منطقه تپه مهران می باشد در حالی که راهکارهای دیگر برای حل معضل در منطقه فرحزاد، قابلیت اجرایی بیشتری دارد.

۴- ایجاد زمینه های لازم و ارائه تسهیلات برای بازگشت افراد به موطن اصلی

بسیاری از افراد حاشیه نشین، جزء مهاجران می باشند که از دیگر مناطق کشور به محل سکونت فعلی، مهاجرت کرده اند. در این راستا، راهکارهای اجرایی زیر جهت بازگشت آنان به وطن اصلی، پیشنهاد می گردد (تأکید می گردد که این راهکارها با توجه به اولویت های پیشنهاد شده توسط خود مردم ساکن در مناطق مذکور در جریان انجام تحقیقات میدانی، ارائه شده اند):

- ۱- حل معضل بیکاری در شهرهای مبدا مهاجرت یا موطن اصلی مهاجران
- ۲- تأمین مسکن افراد از طریق ساخت مسکن (در قالب مسکن مهر یا پرداخت وام های بلندمدت و کم بهره)
- ۳- پرداخت وام برای حل مشکل اشتغال و در اختیار گذاشتن امکانات دامداری و کشاورزی در روستاها و شهرهای محل سکونت
- ۴- ایجاد بسترهای لازم برای تحصیل و آموزش فرزندان و ارتقاء سطح امکانات بهداشتی و درمانی

معیارهای ارزیابی سیاست ساماندهی

پس از انتخاب یکی از گزینه های ساماندهی، جهت حصول اطمینان از تناسب هر یک از آنها با جامعه مورد نظر، گزینه مذکور را با معیارهای زیر مورد سنجش و ارزیابی قرار می دهیم:

معيار حقوقی - مالکیت

وضعیت تملک زمین و این که مدعی مالکیت زمین مربوط، دولت یا بخش خصوصی باشد، در درجه ضمانت اجرایی هر یک از سیاست های ساماندهی به شکل متفاوتی تأثیرگذار خواهد بود.

معيار فضایی - کالبدی

میزان برخورداری هر یک از اجتماعات از امکانات، تأسیسات و خدمات عمومی، نقش مهمی در انتخاب نوع سیاست ساماندهی دارد (میزان برخورداری از امکانات، قابلیت حفظ و مرمت بنا، قابلیت یا محدودیت فضا، وضعیت کاربری اراضی مجاور و ...).

معيار زیست محیطی

ویژگیهای توپوگرافیک، شیب و نوع خاک، نحوه رعایت اصول بهداشتی، میزان و چگونگی رهاسازی فاضلاب در معابر و تأثیر این جوامع بر آلودگی های محیط زیست معیار مهمی تلقی می گردد.

معيار اقتصادی - اجتماعی

با توجه به تمایز اقتصادی و اجتماعی هر یک از اجتماعات غیررسمی، اولویت و ضمانت اجرایی هر یک از سیاستهای مفروض ساماندهی، در آنها متفاوت خواهد بود و از این رو این معیار، یکی از بهترین معیارهای ارزیابی و انتخاب راهکار ساماندهی است.

سطح آگاهی سیاسی - فرهنگی و درجه اعتماد حاشیه نشینان به دولت

علاوه بر ساماندهی، برنامه ریزی اجتماعی و اقتصادی نیز ضروری است اما از آنجایی که حاشیه نشینی پاسخ طبیعی اقشار کم درآمد به بی توجهی های جامعه مخصوصاً برنامه ریزان می باشد، لذا برنامه ریزی های اجتماعی - اقتصادی به همراه نظارت و مدیریت صحیح بر توسعه فضای حاشیه نشینی، کنترل ساخت و سازهای جدید و رسمیت بخشیدن سیاسی و قانونی - حقوقی به حاشیه نشینان و البته اقدامات فرهنگی، کاملاً ضروری است. به این ترتیب در کنار اقدامات فوق، ارائه راهکارهایی جهت ارتقاء سطح بهزیستی حاشیه نشینان نیز ضرورت می یابد. ارتقاء سطح بهزیستی از طریق روش های زیر ممکن می باشد:

- ۱) افزایش سطح کیفی زندگی مردم حاشیه نشین با توجه ویژه به مقوله های فقر، محیط زیست و بهداشت
- ۲) توزیع عادلانه منابع و امکانات مادی
- ۳) ایجاد مراکز مشاوره، مددکاری اجتماعی و ... جهت شناسایی و استفاده از حداکثر تواناییهای فردی و افزایش سطح سازگاری، حس مسئولیت پذیری و انضباط و منزل اجتماعی افراد
- ۴) استفاده از مشارکتهای مردمی در آبادانی این مناطق
- ۵) افزایش ضریب امنیت انتظامی و اجتماعی با همیاری خود مردم و کمک نیروهای انتظامی
- ۶) کمک به توسعه و اصلاح خط مشی های سیاسی، اقتصادی مربوط
- ۷) افزایش سطح دانش و معلومات با راه اندازی مراکز علمی و دانشگاهی
- ۸) پر کردن اوقات فراغت با برنامه ریزی مناسب و از پیش تعیین شده و تفریحات سالم
- ۹) ایجاد زمینه های اشتغال مولد و پویا
- ۱۰) ارائه مطلوب خدمات شهری و فعال نمودن شهرداریها در سازمان های مناطق حاشیه نشین
- ۱۱) فعال نمودن مراکز بهداشتی در راستای بالا بردن آگاهی حاشیه نشینان در خصوص رعایت موازین بهداشتی
- ۱۲) برقراری ارتباط بین بخش برنامه ریزی مسکن و برنامه ریزی کلان اقتصادی

۱۳) پیوند همه جانبه مسکن با برنامه ریزی شهری

۱۴) جهت گیری سیاست‌ها در جهت توانمندسازی خانواده با استفاده از مشارکت سازمان‌های غیردولتی و ارتقای روحیه خودباوری افراد

شایان توجه است که هرگونه راهکار ساماندهی در صورتی در اجرا موفقیت آمیز خواهد بود که مبتنی بر مطالعات موردی و با تأکید بر سلايق، انگیزه‌ها، توان و خواست ساکنان باشد. در غیراین صورت موجب تحریک و تشدید مشکلات موجود خواهد شد.

نقدی بر راهکارهای پیشنهادی

باید توجه داشت که حاشیه نشینی سوغات سرمایه داری و توسعه برون‌زا بدون توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی، تاریخی، فرهنگی و سیاسی بومی در کشورهای جهان سوم از جمله ایران می‌باشد اما حکومتها و برنامه ریزان این کشورها بدون توجه به پژوهشهای علمی و راه کارهای ارائه شده توسط دانشمندان و محققان شهری دست به اقداماتی زده‌اند یا متوسل به راهکارهایی شده‌اند که نه تنها موجب ساماندهی امور حاشیه نشینان نشده بلکه در خیلی از موارد به آن دامن زده است. از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود که قبلاً نیز به آنها پرداخته شد:

۱) تخریب بدون قید و شرط

۲) تخریب و کوچاندن افراد به محل زندگی قبلی یا محل تولد

۳) تخریب پس از دادن زمین

۴) تخریب پس از دادن زمین و مصالح ساختمانی به بهای ارزان

۵) دادن مسکن ارزان قیمت و یا رایگان، بدون مطالعات کارشناسی لازم

به عقیده محققان، تخریب بدون قید و شرط کمترین اثر ممکن را در ساماندهی حاشیه نشینی داشته و معضلات اجتماعی حادثتری نظیر شورش و نافرمانی را نیز دامن زده است. تخریب به همراه کوچاندن افراد نیز تأثیر چندانی نداشته چون در صورت فراهم نبودن شرایط مطلوب، سبب مراجعت دوباره به محل قبلی یا سایر نقاط حاشیه‌ای شده است. دادن زمین ارزان و مصالح ساختمانی نیز با توجه به اینکه معمولاً آلودگی ناشین‌ها فاقد انگیزه تغییر بوده و کمترین منابع مالی و فنی را در دسترس داشته‌اند، راه به جایی نبرده است و در نهایت دادن مسکن ارزان قیمت و رایگان بدون انجام مطالعات کارشناسی به آلودگی ناشینی دامن زده و افراد بسیاری را به امید خانه دار شدن از این طریق، به شهرها می‌کشاند یعنی علامت مثبتی برای دیگران است تا از این روش به سکونت دائم در شهرهای بزرگ یا حاشیه آنها دست یابند. افزون بر همه موارد فوق دولتهای جهان سوم برای انجام چنین اقداماتی معمولاً منابع کافی در دست ندارند. هدف از بیان این نکات دلسردی از انجام اقدامات سازنده نیست بلکه توجه دادن سیاست گذاران به مزایا و محدودیت‌های هر راهکار است تا خط مشی گذاران و مجریان سیاست‌ها با نگاه باز و درک کامل از ابعاد موضوع و اشراف به محاسن و معایب هر راه حل نسبت به انتخاب بهترین مجموعه یا ترکیبی از آنها اقدام نمایند.

نتیجه گیری

با توجه به مجموع مباحث مطرح شده در این نوشتار می‌توان گفت که بدون تغییر بنیادین ساختار اقتصادی به ویژه تلاش برای افزایش گرایش به تولید و حذف واسطه‌گری و پادویی شهری و اصلاح الگوی مصرف جامعه، نمی‌توان معضل آلودگی ناشینی را برای همیشه ریشه کن کرد ولی در کوتاه مدت موارد زیر پیشنهاد می‌شوند:

۱) باید از ایجاد آلودگیهای جدید در سطح شهر از آغاز کار جلوگیری کرد، مثلاً با ایجاد کمربند سبز یا حاشیه امن مناسب دیگر به دور محدوده‌های شهری مجاز.

۲) باید رشد آلودگیهای موجود را محدود ساخت.

۳) با کار فرهنگی و ایجاد تشکلی از درون اجتماعات آلونک نشین و با کمک خود اهالی، افراد زحمتکش را از مجرمان که اجتماع آلونک نشین را محیط مناسبی برای فعالیتهای خود تشخیص داده‌اند، جدا ساخت و با کمک‌های اهالی سرپناه مناسب تری برای ایشان تدارک دید.

۴) برخی از اجتماعات آلونک نشین را می‌توان با همیاری اهالی تثبیت و بازسازی کرد. در پایان بار دیگر تاکید می‌شود که تنها راه دائمی جلوگیری از حاشیه نشینی و مهار آن، توسعه پایدار است، یعنی به کار گرفتن کلیه منابع مادی و معنوی کشور در جهت رشد و توسعه همه جانبه و متوازن در بخش‌های مختلف که مجموعه خروجی این استراتژی منجر به ایجاد مشاغل در بخش کشاورزی و صنعت می‌شود و در نهایت باعث فراهم آوردن زمینه مناسب در روستاها و ایجاد جاذبه در شهرهای کوچک تر خواهد شد.

منابع

- صالح، علیرضا، ۱۳۸۶، پیشنهادها و راهکارهای حاشیه‌نشینی و جامعه شهری، روزنامه کیهان، شماره ۱۸۸۷۷، ص ۷
- ممتاز، غلامحسین، ۱۳۸۹، حاشیه نشینی معضل امروز، بحران فردا، www.khouznews.ir
- فخمی، علی، تاثیر گسترش حاشیه نشینی بر امنیت اجتماعی، معاونت فرهنگی- اجتماعی شهرداری تهران مرکز خدمات اجتماعی و رفاهی منطقه ۱۵، www.markaz-ejtemaee15.com
- میرحق جو، میرنوید، بحران اجتماعی ناشی از حاشیه نشینی در کلان شهرهای ایران و راهکارهای تعدیل آن